

بسم الله الرحمن الرحيم

ایران و ضرب المثل گاوسیه

(ترجمه)

خبر:

خیابان‌های ایران شاهد شعله‌ور شدن تظاهرات گسترده‌ای است که خواستار سرنگونی نظام می‌باشند. این تحولات با تهدیدی کم‌سابقه از سوی آمریکا همراه شده است؛ تهدیدی مبنی بر مداخله مستقیم نظامی در صورتی که تظاهرکنندگان با زور و گلوله سرکوب شوند. هم‌زمان، برای نخستین بار شاهد تحریک علنی مردم ایران به تغییر کامل نظام حاکم هستیم.

تبصره:

شاید آنچه در نگاه نخست شگفت‌آور جلوه می‌کند، زمان‌بندی این رویدادها باشد؛ اما سرنوشتی که امروز در برابر نظام ایران قرار گرفته، از سال‌ها پیش برای بسیاری از ناظران دقیق سیاست سرمایه‌داری فریب‌کار آمریکا، روشن و قابل پیش‌بینی بود.

امریکایی که امروز در تنگنای اقتصادی و تمدنی به سر می‌برد و فرسایش نفوذ بین‌المللی خود را به‌روشنی می‌بیند، تصمیم گرفته است با شتاب با زمان رقابت کند تا منافع خود را در تداوم سلطه و سیطره بر جهان حفظ نماید. در چنین شرایطی، دیگر گزینه‌ای جز توسل به زور افراطی و پیش‌روی شتاب‌زده برایش باقی نمانده است؛ آن هم به بهای قربانی کردن متحدان دیروز.

این قربانی‌سازی، چه در جایگاه «شریک» مانند اروپا و دولت‌هایش که با خطر از دست دادن تدریجی سرزمین‌های خود مواجه‌اند و چه در جایگاه «تابع» مانند نظام ایران که خود خائن بود و سرانجام مورد خیانت قرار گرفت، آشکارا دیده می‌شود. آمریکا از وعده‌ها و مشوق‌هایش گذشت و آن‌ها را درهم شکست و با زور خشونت در برابر هر مخالفی که به او «نه» بگوید، صف‌آرایی کرد.

خدمات چندین‌دهه‌ای نظام ایران به آمریکا نیز نتوانست مانع این سرنوشت شود؛ نه در عراق، نه در افغانستان، و نه در همکاری گسترده برای شعله‌ور ساختن جنگی فرقه‌ای و پلید که منطقه خاورمیانه را برای زمانی نامعلوم از هم پاشید.

اما هنگامی که این خدمات به پایان رسید، کارکرد نظام به مصرف رسید و دیگر با مرحله آینده و الزامات آن از نگاه امریکایی سازگار دیده نشد، همین امر برای صدور حکم پایان آن کافی بود.

تهدید آمریکا به حمله نظامی علیه ایران در صورت سرکوب تظاهرات با گلوله و دعوت علنی به سرنگونی نظام، به معنای دخالت خطرناک و اعطای پوشش کامل سیاسی به تظاهرکنندگان است؛ پوششی که هرگز برای سوریه فراهم نشد، زمانی که مردمش با سلاح‌های کیمیاوی، شبکه‌های انفجاری و موشک‌های اسکاد قتل‌عام می‌شدند.

نظام ایران این پیام را دیر دریافت؛ در حالی که پیش‌تر صحنه را چنین می‌پنداشت که اوضاع تحت کنترل است و همه چیز در چارچوب بازی تقاطع منافع با غرب پیش می‌رود و این که نظامی است که غرب ناگزیر از مذاکره با آن است و پروژه غربی بدون آن پیش نمی‌رود.

درست است که آمریکا با به چالش کشیدن و فروپاشی حاکمیت ولایت فقیه، دست به قمار بزرگ می‌زند؛ زیرا پیامدها الزاماً مطابق خواست و برنامه آن، آرام و هموار نخواهد بود. سقوط نظام ایران می‌تواند منطقه را به هرج و مرج فراگیر بکشاند و آتشی را شعله‌ور سازد که آمریکا توان خاموش کردن آن را نداشته باشد؛ چه بسا همان آتش، آنچه را که خود طی دهه‌ها بنا کرده است، بسوزاند.

با این همه، چه بسا این شری که جریان دارد، پس از خود خیری را به همراه داشته باشد که هنوز زمان ظهورش فرا نرسیده است.

امروز باید از سخنان حکمت‌آمیز گذشتگان عبرت بگیریم که در نکوهش خیانت و خالی کردن پشت دوستان و نزدیکان سخنی گفته اند که تاریخ آن را ثبت کرده است:

«من آن روز خورده شدم که گاو سیاه خورده شد»

(مفهوم پشتی این ضرب‌المثل داستان سه گاو (سفید، سرخ، سیاه) است که با هم زندگی می‌کردند و چون متحد بودند شیر نمی‌توانست به آن‌ها حمله کند. سپس شیر با تفرقه‌افکنی، اول گاو سیاه را جدا کرد و خورد، بعد سرخ را. وقتی نوبت گاو سفید رسید، گفت: «من همان روز نابود شدم که گاو سیاه نابود شد».

اکنون سوال این است که اکنون نوبت چه کسی است که باید این سخن را بگوید؟

نویسنده: شیخ عدنان مزیان

برای دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

مترجم: عبدالرحمن مستنصر